

شناسایی و اولویت‌بندی مشکلات بنگاه‌های کوچک و متوسط

کشاورزی در استان زنجان

روح‌اله رضائی^۱، لیلا صفا^۲

چکیده:

تحقیق توصیفی-پیمایشی حاضر با هدف شناسایی و اولویت‌بندی مشکلات بنگاه‌های کوچک و متوسط کشاورزی در استان زنجان انجام گرفت. جامعه آماری تحقیق تمامی مدیران و صاحبان بنگاه‌های کوچک و متوسط کشاورزی در سطح استان زنجان بودند ($N=354$) که یک نمونه ۲۲۰ نفری از آنها با استفاده از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای با انتساب متناسب (شهرستان‌های مورد مطالعه به عنوان طبقات) انتخاب شد. ابزار گردآوری داده‌ها، پرسشنامه محقق ساخته بود. روایی پرسشنامه با نظر پانلی از کارشناسان و پژوهشگران در زمینه موضوع مورد پژوهش مورد تایید قرار گرفت. برای تعیین پایایی ابزار تحقیق پیش‌آزمون انجام گرفت که مقدار آلفای کرونباخ محاسبه شده برای مقیاس اصلی پرسشنامه ۰/۷۶ بود. نتایج به دست آمده از تحقیق نشان داد که پنج مورد عدم ثبات سیاست‌گذاری‌ها در حوزه قیمت، حمایت‌ها، واردات و صادرات و غیره مرتبط با SMEs، نبود مراکز تخصصی حمایت از SMEs کشاورزی اعم از شرکت‌های مشاوره‌ای، تامین نهاد، بازاریابی و غیره، نبود قوانین خاص متناسب با شرایط و مشخصه‌های منحصر بفرد SMEs، ضعف مالی و کمبود نقدینگی SMEs و پایین بودن سطح تحصیلات و تجربه صاحبان و مدیران SMEs، مهمترین مشکلات فراروی بنگاه‌های کوچک و متوسط کشاورزی در استان زنجان بودند.

کلمات کلیدی: بنگاه‌های کوچک و متوسط، مشکلات، استان زنجان، کشاورزی.

^۱ دانشیار گروه ترویج، ارتباطات و توسعه روستایی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه زنجان، ۰۹۱۲۷۴۲۵۷۸۱، r_rezaei@znu.ac.ir

^۲ استادیار گروه ترویج، ارتباطات و توسعه روستایی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه زنجان، ۰۹۱۲۳۴۱۶۶۹۵، safa@znu.ac.ir

مقدمه:

به علت افزایش جمعیت و وجود جمعیت جوان تحصیلکرده جوای کار و همچنین نیروی کار عظیمی که به خاطر محدودیت‌های موجود بیکار مانده‌اند، به دلیل ماهیت و ویژگی‌های خاص شرکت‌های کوچک و متوسط از قبیل انعطاف‌پذیری فراوان در برابر تغییرات، قدرت رقابت، ظرفیت‌های فراوان برای بهبود عملکرد خود و دستیابی به اهداف برنامه‌ریزی شده با استفاده از منابع موجود، تشکیل و توسعه این بنگاه‌ها به عنوان یک سیاست مهم در ایجاد مشاغل جدید، تسریع در بهبود اوضاع اقتصادی و رشد کشورها در سال‌های اخیر مورد توجه بسیاری از کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه قرار گرفته است (خلیقی، ۱۳۸۷، بیدختی و زرگر، ۱۳۹۰). علیرغم اهمیت این بنگاه‌ها در زیربخش‌های اقتصادی مختلف از جمله کشاورزی، راه‌اندازی و توسعه آنها با مسایل و مشکلات متعددی اعم از عدم حمایت مالی کافی و مشکلات اعتباری، نبود خدمات مشاوره‌ای و عدم دسترسی به انواع گوناگون اطلاعات، سیاست‌های دولت از جمله موانع اداری برای اخذ عوارض، اخذ جواز تاسیس، کمبود نیروی انسانی مجرب و سایر موارد روبرو شده (بیدختی و زرگر، ۱۳۹۰) و در نتیجه فرایند توسعه آنها را با تاخیر جدی همراه شده است. در بخش کشاورزی نیز با توجه به شرایط خاص حاکم بر این بخش، به دلیل وجود مشکلات مختلفی همچون سخت‌گیری بانک‌ها در پرداخت تسهیلات و عدم پرداخت به موقع اعتبارات از سوی آنها، مشکلات بروکراسی اداری، عدم اطلاع‌رسانی صحیح و غیره، بنگاه‌های کوچک و متوسط از میزان موفقیت بسیار پایینی برخوردار بوده و بیشتر این بنگاه‌ها در دستیابی به اهداف سازمانی خود به شکل بسیار ضعیفی عمل کرده‌اند (خشنودی‌فر و همکاران، ۱۳۹۰). این در حالی است که فعالیت بنگاه‌های کوچک و متوسط زمانی می‌تواند بر تولید، اشتغال و بهره‌وری و در کل بر توسعه و اقتصاد کشورها اثرگذار باشد که شرایط ایجاد و تداوم فعالیت آنها فراهم شده و موانع فراروی این بنگاه‌ها تا حد امکان شناسایی و برطرف شود (لامعی، ۱۳۸۹). با در نظر گرفتن مطالب اشاره شده، این تحقیق با هدف اصلی شناسایی و اولویت‌بندی مشکلات بنگاه‌های کوچک و متوسط کشاورزی در استان زنجان انجام گرفت تا بتوان بر اساس نتایج آن راهکارهای عملی جهت تسریع و تسهیل فرایند توسعه بنگاه‌های کوچک و متوسط در بخش کشاورزی ارائه داد.

مبانی نظری:

از جنبه کمی بنگاه‌های کوچک و متوسط به شرکت‌هایی در بخش‌های اقتصادی اطلاق می‌شود که طیف وسیعی از فعالیت‌ها- خانگی تا امور تولیدی و خدماتی- را شامل می‌شود. بیشتر تعاریف ارائه شده برای شرکت‌های کوچک و متوسط بر اساس معیارهای کمی مانند تعداد کارکنان، میزان گردش مالی، ارزش دارایی‌ها و میزان سرمایه می‌باشد. در عین حال، ساده‌ترین معیار برای تعریف این شرکت‌ها، استفاده از تعداد کارکنان است؛ اما با توجه به این معیار نیز تعاریف متعددی ارائه شده است. بر اساس معیارهای اتحادیه اروپا، بنگاهی کوچک و متوسط نامیده می‌شود که تعداد کارکنان آن کمتر از ۲۵۰ نفر بوده و گردش مالی سالانه در آن بیشتر از ۱۸ میلیون یورو نباشد؛ در آمریکا در تعریف بنگاه‌ها از حد ۵۰۰ نفر استفاده می‌شود. در ایران با وجود فعالیت زیاد بنگاه‌های کوچک و متوسط تولیدی، خدماتی و غیره، تعریفی جامع در این حوزه وجود ندارد و موسسات و سازمان‌های مختلف، هر کدام بنا به مقتضیات کاری خود، به تعریف و تقسیم‌بندی این بنگاه‌ها پرداخته‌اند. مرکز آمار ایران، کسب و کارها را به سه گروه طبقه‌بندی کرده است: کسب و کارهای بین ۱ تا ۹ نفر نیروی انسانی، ۵۰ تا ۹۹ نفر و بیش از ۱۰۰ کارگر؛ در این زمینه، کسب و کارهایی را که دارای نیروی انسانی کمتر از ۱۰ نفر را جزء بنگاه‌های کوچک و متوسط در نظر می‌گیرند. به هر حال، هر چند این تعاریف کمی، تقسیم‌بندی را راحت‌تر می‌کند، اما معیارهای کمی همیشه برای طبقه‌بندی شرکت‌ها روش مناسبی نیستند (حیدرپور، ۱۳۸۸؛ سلطانی و همکاران، ۱۳۹۰؛ علی میرزایی و همکاران، ۱۳۹۰)، بلکه مشخصات کیفی شرکت‌ها و بنگاه‌ها نیز در این تقسیم‌بندی حائز اهمیت می‌باشند (ادراکی، ۱۳۸۷). معمولاً بنگاه‌های کوچک و متوسط از سه مشخصه کیفی مالکیت و مدیریت واحد، مالکیت فردی و خانوادگی و استقلال از سایر بنگاه‌ها برخوردارند. این مشخصه‌ها بایستی در تعریف جایگاه و کارکرد بنگاه‌ها به عنوان کسب و کارهای کوچک و متوسط مورد توجه قرار گیرند، در غیر این صورت، تاکید صرف بر معیارهای کمی، اجرای برنامه‌ها و سیاست‌های مربوط به بنگاه‌های کوچک و متوسط را با مشکل اساسی مواجه خواهد نمود (صلواتی سرچشمه و همکاران، ۱۳۸۷). صرف‌نظر از چگونگی تعریف بنگاه‌های کوچک و متوسط، این کسب و کارها دارای ویژگی‌های منحصر به فردی هستند که سبب تمایز و برتری این گونه بنگاه‌ها نسبت به سایر

کسب و کارها شده است؛ بنگاه‌های کوچک و متوسط دارای انعطاف‌پذیری زیادی بوده و خلاقیت و نوآوری فراوانی در آنها صورت می‌گیرد و بر این اساس می‌توانند به راحتی خود را با تغییرات محیطی وفق داده و نسبت به عوامل مختلف اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و غیره سریع‌تر واکنش نشان دهند. با توجه به اینکه عوامل بنگاه‌های کوچک و متوسط با ارباب رجوعان و مشتریان خود ارتباط نزدیک و رو در رویی دارند در نتیجه می‌توانند رفتارها و بازخوردهای حاصل از ارائه خدمات و یا تولید و فروش محصولات خود را مشاهده کرده و در صدد تغییر و بهبود شیوه ارائه خدمات خود برآیند. همچنین، این ارتباط و همدلی بین عوامل سازمانی و مشتریان می‌تواند صاحبان این بنگاه‌ها را در استفاده مناسب‌تر از تکنولوژی نوین و ایجاد و توسعه شیوه‌های نوآورانه که دارای ارزش اقتصادی عمده‌ای است، کمک کند (عنایتی و معدنیان، ۱۳۹۱). به همین منوال، سرمایه‌اندک و نیازمندی به نیروی انسانی با حداقل مهارت در کسب و کارهای کوچک و متوسط می‌تواند به عنوان افق روشنی در اقتصاد کشور و رفع بیکاری مطرح شود. بنگاه‌های کوچک و متوسط می‌توانند با تعداد کم کارکنان، پیچیدگی‌های کمتر هم از لحاظ بروکراسی اداری و همچنین از نظر تجهیزات و مواد اولیه مورد نیاز به فعالیت بپردازند. در نهایت، با توجه به اینکه بیشتر کسب و کارهای کوچک و متوسط به صورت شخصی مدیریت و اداره می‌شوند پس فرد مالک به راحتی می‌تواند هر گونه فناوری جدید که متناسب با فعالیت بنگاه وارد بازار شده است را مورد استفاده قرار دهد (دیواندری و همکاران، ۱۳۸۸؛ رافع و همکاران، ۱۳۹۱).

پیشینه تحقیق:

با توجه به اهمیت بنگاه‌های کوچک و متوسط از یک سوی و موانع و مشکلات فراروی آنها از سوی دیگر، تحقیقات تجربی متعددی در داخل و خارج از کشور به منظور شناسایی این مشکلات انجام گرفته است که در این بخش به طور خلاصه به تبیین نتایج برخی از مهمترین آنها پرداخته شده است. سلطانی و همکاران (۱۳۹۰) در تحقیقی با عنوان سازوکارهای تامین مالی نشان دادند که کسب و کارهای کوچک و متوسط با وجود نقش ارزنده‌ای که در اقتصادهای ملی ایفا می‌نمایند اما به دلیل ماهیت و ویژگی‌های خاص خود، نسبت به بنگاه‌های بزرگ با مشکلات زیادی در تامین

مالی وجوه مورد نیاز مواجه می‌باشند و همچنین این بنگاه‌ها از ریسک اعتباری بالاتری برخوردار هستند که این امر موجب شده نهادها و موسسات مالی فعال بازار پول تمایل کمتری برای تامین مالی آنها داشته باشند. خشنودی فر و همکاران (۱۳۹۰) در بررسی عوامل موثر بر موفقیت بنگاه‌های کوچک و متوسط اقتصادی زودبازده و کارآفرین در بخش کشاورزی شهرستان فرمهین مشخص کردند که این بنگاه‌ها در منطقه مورد مطالعه با موانع و مشکلات متعددی مواجه می‌باشند که مهمترین آنها شامل سخت‌گیری زیاد بانک‌ها، عدم پرداخت به موقع اعتبارات، بوروکراسی اداری، معرفی ضامن معتبر، عدم اطلاع‌رسانی صحیح از سوی نهادها و سازمان‌های دولتی برای پشتیبانی از بنگاه‌ها و عدم آشنایی صاحبان بنگاه‌ها با نحوه نگارش و تدوین طرح کسب و کار بودند. شعبان‌زاده و همکاران (۱۳۹۱) در تحقیق خود با عنوان بررسی اثربخشی طرح اعتبارات بنگاه‌های زودبازده در صنعت زنبورداری با استفاده از روش جورسازی به این نتیجه دست یافتند که اگرچه اعتبارات می‌تواند تاثیر مثبت بر اشتغال و سرمایه‌گذاری داشته باشد اما میزان اشتغال پیش‌بینی شده در طرح‌ها به طور کامل محقق نشده و هزینه واسطه در این گروه از بنگاه‌ها بدون آنکه تاثیری بر سودآوری این بنگاه‌ها داشته باشد افزایش یافته است. در تحقیق دیگری، کریمی و همکاران (۱۳۹۳) تحلیل سازوکارهای توسعه کسب و کارهای کوچک و متوسط در استان قزوین نشان دادند که سازوکارهای مالی تسهیلاتی، حمایتی، آموزشی، مدیریتی و ارتباطی مهمترین سازوکارهای توسعه کسب و کارهای کوچک هستند. صندوق اروپایی توسعه منطقه‌ای^۱ (۲۰۱۰) در بررسی وضعیت بنگاه‌های کوچک و متوسط در کشور اسلواکی نشان داد که ضعف در قانونگذاری (تعداد زیاد قوانین و مقررات تدوین شده در حوزه بنگاه‌های کوچک و متوسط و عدم ثبات آنها، نامناسب بودن قوانین جدید و برخورداری از یک سری پیامدهای ناخواسته و پیش‌بینی نشده) و مدیریت نامناسب (عدم توانایی در توسعه محیط فناورانه مناسب، عدم بازاریابی و نبود شبکه‌سازی و ارتباط اثربخش بین بنگاه‌های کوچک و متوسط)، اصلی‌ترین موانع توسعه بنگاه‌های کوچک و متوسط بودند. به همین منوال، راجل^۲ (۲۰۰۹) در واکاوی موانع رشد و توسعه بنگاه‌های کوچک و متوسط در شرایط محیطی متغیر به این نتیجه دست یافت که عمده‌ترین این موانع شامل نبود دسترسی به منابع اعتباری به ویژه

^۱ - European Regional Development Fund

^۲ - Rachel

وام‌های بانکی، قوانین سخت‌گیرانه بانک‌ها برای اعطای تسهیلات، نامتناسب بودن مالیات و بالا بودن آن برای بنگاه‌های کوچک و متوسط، ضعف منابع انسانی و شرایط رقابتی ناعادلانه با شرکت‌ها بزرگ بودند.

روش تحقیق:

تحقیق حاضر از لحاظ میزان و درجه کنترل متغیرها، غیرآزمایشی و توصیفی، از نظر نحوه گردآوری داده‌ها، میدانی و در نهایت به لحاظ قابلیت تعمیم یافته‌ها، از نوع پیمایشی محسوب می‌شود. جامعه آماری این تحقیق مدیران و صاحبان بنگاه‌های کوچک و متوسط کشاورزی در سطح استان زنجان بودند که دارای مجوز فعالیت اعم از جواز تاسیس، پروانه کسب و جواز صنفی بوده و در حال حاضر نیز در حال فعالیت می‌باشند. بر اساس آمار سازمان جهاد کشاورزی استان زنجان (۱۳۹۳)، در حدود ۳۵۴ بنگاه در شهرستان‌های مختلف استان زنجان در حوزه‌های مختلف کشاورزی فعال بودند که با توجه به جدول بارتلت و همکاران (۲۰۰۱)، تعداد ۲۲۰ نفر از مدیران و صاحبان این بنگاه‌ها با استفاده از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای با انتساب متناسب برای انجام تحقیق انتخاب شدند.

ابزار اصلی برای گردآوری داده‌ها جهت پاسخ به پرسش‌های تحقیق، پرسشنامه محقق ساخته بود که از دو بخش اصلی مشخصه‌های فردی پاسخگویان و سنجش میزان اهمیت هر یک از موانع فراروی توسعه بنگاه‌های کوچک و متوسط از دیدگاه پاسخگویان تشکیل شده بود. اعتبار پرسشنامه با نظر پانل متخصصان در زمینه موضوع مورد پژوهش مورد تایید قرار گرفت و برای تعیین قابلیت اعتماد ابزار تحقیق پیش‌آزمون انجام گرفت که مقدار آلفای کرونباخ محاسبه شده برای مقیاس اصلی پرسشنامه یعنی "موانع فراروی توسعه بنگاه‌های کوچک و متوسط کشاورزی"، ۰/۷۶ به دست آمد. تجزیه و تحلیل داده‌های گردآوری شده با استفاده از نرم‌افزار SPSSWin18 صورت گرفت.

نتایج:

نتایج تحقیق نشان داد که بیشتر پاسخگویان مورد مطالعه مرد (۹۴/۵ درصد) و تعداد کمی از آنها (۵/۵ درصد) زن بودند. بر اساس نتایج تحقیق، میانگین سن پاسخگویان مورد مطالعه ۴۱/۳ سال بود. همچنین، به لحاظ حوزه فعالیت بنگاه‌ها، نتایج تحقیق حاکی از آن بود که سه حوزه دامپروری (۳۷/۷ درصد)، صنایع کشاورزی (۱۸/۲ درصد) و شیلات (۱۲/۷ درصد) به ترتیب بیشترین فراوانی را داشتند. با توجه به نتایج کسب شده، میانگین سابقه فعالیت بنگاه‌های مورد مطالعه در حدود ۴/۹ سال بود. نتایج تحقیق نشان داد که بیشتر پاسخگویان مورد مطالعه (۵۴/۱ درصد) وام‌ها و تسهیلات اعتباری خود را از بانک کشاورزی دریافت کرده بودند.

نتایج به دست آمده از اولویت‌بندی مشکلات بنگاه‌های کوچک و متوسط کشاورزی در استان زنجان در جدول (۱) نشان داده شده است. همانطور که از نتایج پیداست از دیدگاه پاسخگویان پنج مورد عدم ثبات سیاست‌گذاری‌ها در حوزه قیمت، حمایت‌ها، واردات و صادرات و غیره مرتبط با SMEs، نبود مراکز تخصصی حمایت از SMEs کشاورزی اعم از شرکت‌های مشاوره‌ای، تامین نهاده، بازاریابی و غیره، نبود قوانین خاص متناسب با شرایط و مشخصه‌های منحصربفرد SMEs، ضعف مالی و کمبود نقدینگی SMEs و پایین بودن سطح تحصیلات و تجربه صاحبان و مدیران SMEs، دارای بالاترین میزان اولویت بودند. این در حالی است که سه گویه نبود نظام بیمه‌ای مشخص و منسجم مختص SMEs، نبود بازار مناسب برای فروش محصولات و خدمات و موقعیت جغرافیایی نامناسب SMEs به لحاظ قرار گرفتن بیشتر آنها در مناطق روستایی، از نظر پاسخگویان دارای کمترین میزان اولویت بودند.

جدول ۱- اولویت‌بندی مشکلات بنگاه‌های کوچک و متوسط کشاورزی در استان زنجان

اولویت	انحراف معیار	میانگین*	مشکلات
۱	۰/۳۳۵	۴/۹۱	عدم ثبات سیاست‌گذاری‌ها در حوزه قیمت، حمایت‌ها، واردات و صادرات

اولویت	انحراف معیار	میانگین*	مشکلات
			و غیره مرتبط با SMEs
۲	۰/۳۶۵	۴/۷۵	نبود مراکز تخصصی حمایت از SMEs کشاورزی اعم از شرکت‌های مشاوره‌ای، تامین نهاده، بازاریابی و غیره
۳	۰/۳۸۱	۴/۶۶	نبود قوانین خاص متناسب با شرایط و مشخصه‌های منحصر بفرد SMEs
۴	۰/۴۰۱	۴/۵۱	ضعف مالی و کمبود نقدینگی SMEs
۵	۰/۴۱۹	۴/۳۹	نبود حمایت مالی کافی از SMEs به ویژه از سوی بانکها
۶	۰/۴۵۸	۴/۳۱	تمایل کم بانکها برای اعطای تسهیلات و اعتبارات به SMEs و وضع شرایط سخت‌گیرانه برای آنها
۷	۰/۴۹۲	۴/۲۲	پایین بودن سطح تحصیلات و تجربه صاحبان و مدیران SMEs
۸	۰/۵۱۳	۴/۱۸	مبهم و به روز نبودن قوانین و امور حقوقی مربوط به SMEs
۹	۰/۵۲۹	۴/۰۷	وجود موانع قانونی متعدد (اعم از قانون کار، اخذ جواز تاسیس، صادرات و واردات، مالیات و عوارض و غیره) بر سر راه ایجاد و توسعه SMEs
۱۰	۰/۵۷۸	۴	بوروکراسی اداری و وجود رویه‌ها و سیستم‌های غیرمنطقی دولتی برای ارائه خدمات مختلف به SMEs
۱۱	۰/۵۹۲	۳/۹۱	ضعف اطلاعات و مهارت‌های فنی مدیران و صاحبان SMEs
۱۲	۰/۶۴۳	۳/۷۷	نبود فرصت‌های آموزشی کافی برای افزایش و به روز کردن سطح دانش و اطلاعات مدیران و صاحبان SMEs
۱۳	۰/۶۷۹	۳/۷۴	پایین بودن استاندارد و کیفیت محصولات تولید شده و خدمات ارائه شده از سوی SMEs
۱۴	۰/۶۹۵	۳/۶۸	محدودیت‌های فنی SMEs نظیر استانداردسازی، رعایت الزامات کیفی، بسته‌بندی و غیره
۱۵	۰/۷۲۶	۳/۴۹	نبود نیروی انسانی متخصص و کارآمد برای بکارگیری در SMEs
۱۶	۰/۷۵۷	۳/۲۲	بالا بودن هزینه‌های تولید به ویژه هزینه‌های کارگری و خرید نهاده‌ها
۱۷	۰/۸۰۱	۳/۰۹	ضعف شبکه‌سازی و نبود تعامل / ارتباط اثربخش بین SMEs با یکدیگر و با سازمان‌های ذیربط
۱۸	۰/۸۴۹	۳/۰۱	اطلاع‌رسانی ضعیف و نداشتن تبلیغات موثر برای معرفی محصولات تولید

اولویت	انحراف معیار	میانگین*	مشکلات
			شده
۱۹	۰/۸۹۷	۲/۶۸	نبود سیاست‌های تشویقی و حمایت کافی از سوی دولت برای فراهم ساختن یک محیط توانمندساز برای توسعه SMEs
۲۰	۰/۹۱۲	۲/۵۳	پایین بودن سطح مهارت‌ها و قابلیت‌های کارآفرینانه مدیران و صاحبان SMEs
۲۱	۰/۹۴۶	۲/۳۸	ضعف زیرساخت‌های عمرانی مورد نیاز برای توسعه SMEs (اعم از جاده، برق، مخابرات و غیره)
۲۲	۰/۹۷۸	۲/۱۹	ضعف زیرساخت‌های حمل و نقل برای بازاررسانی مناسب محصولات تولید شده
۲۳	۰/۹۸۹	۲/۰۵	قدرت رقابت‌پذیری پایین SMEs و وجود رقابت ناعادلانه بین آنها با شرکت‌ها و بنگاه‌های بزرگ مقیاس
۲۴	۱/۰۱۱	۱/۸۸	نبود نظارت مناسب بر نحوه هزینه‌کرد تسهیلات اعتباری داده شده به SMEs
۲۵	۱/۱۱۹	۱/۷۴	نبود نظام بیمه‌ای مشخص و منسجم مختص SMEs
۲۶	۱/۲۵۸	۱/۵۱	نبود بازار مناسب برای فروش محصولات و خدمات
۲۷	۱/۳۶۲	۱/۲۹	موقعیت جغرافیایی نامناسب SMEs به لحاظ قرار گرفتن بیشتر آنها در مناطق روستایی

* بر حسب مقیاس لیکرت ۵ سطحی (۱= خیلی کم تا ۵= خیلی زیاد)

منبع: یافته‌های تحقیق

بحث و نتیجه گیری:

نتایج این تحقیق نشان داد که بنگاه‌های کوچک و متوسط کشاورزی در استان زنجان با مشکلات متعددی در حوزه‌های مختلف مواجه هستند که مهمترین آنها شامل عدم ثبات سیاست-گذاری‌ها در حوزه قیمت، حمایت‌ها، واردات و صادرات و غیره مرتبط با SMEs، نبود مراکز تخصصی حمایت از SMEs کشاورزی اعم از شرکت‌های مشاوره‌ای، تامین نهاده، بازاریابی و غیره، نبود قوانین خاص متناسب با شرایط و مشخصه‌های منحصر بفرد SMEs، ضعف مالی و کمبود نقدینگی SMEs و پایین بودن سطح تحصیلات و تجربه صاحبان و مدیران SMEs، بودند. در این زمینه، همانطور که اداراکی (۱۳۸۷) تاکید دارد مهمترین نهاد در حمایت از بنگاه‌های کوچک و متوسط، دولت است که از طریق سیاست‌گذاری و وضع قوانین مناسب می‌تواند محیط توانمندسازی را جهت توسعه آنها فراهم نماید. این در حالی است که همانطور که نتایج این تحقیق نشان داد به دلیل نبود ثبات در سیاست‌گذاری در حوزه‌های مختلف فرایند توسعه بنگاه‌ها با مشکلات بسیار جدی مواجه شده و نتوانسته است به اهداف تعیین شده خود دست یابد. برای نمونه، نبود برنامه‌ریزی صحیح در حوزه واردات و صادرات، سبب شده است تا فشار زیادی به بنگاه‌های کوچک و متوسط در بخش کشاورزی وارد شده و حتی بسیاری از آنها به دلیل نبود بازار مناسب برای فروش و عرضه محصولات خود در آستانه ورشکستگی قرار گیرند. بر اساس نتایج تحقیقات مختلف همچون کریمی و همکاران (۱۳۹۳) و خشنودی فر و همکاران (۱۳۹۳) مشخص شد که توسعه بنگاه‌های کوچک و متوسط نیاز به حمایت‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری مختلفی به ویژه ایجاد مراکز تخصصی حمایت از بنگاه‌های کوچک و متوسط دارند که بتوانند پشتیبانی لازم از این بنگاه‌ها را در زمینه‌های مختلف به عمل آورند. این در حالی است که با توجه به نتایج این تحقیق، یکی از مهمترین مسایل توسعه بنگاه‌های کوچک و متوسط در بخش کشاورزی استان زنجان نبود چنین مراکزی می‌باشد، به نحوی که با توجه به پایین بودن سطح تحصیلات صاحبان و مدیران بیشتر بنگاه‌ها، هیچ مرکز تخصصی برای اطلاعات خدمات مشاوره‌ای و اطلاعات مورد نیاز آنها در سطح استان زنجان وجود ندارد. به همین منوال، یکی دیگر از مشکلات بنگاه‌های کوچک و متوسط کشاورزی نبود قوانین خاص متناسب با شرایط و مشخصه‌های بنگاه‌های کوچک و متوسط است که

این مساله سبب شده است تا این بنگاه‌ها در جریان یک رقابت ناعادلانه با شرکت‌های بزرگ قرار گرفته و از دریافت بسیاری از حمایت‌های دولتی محروم باشند. از آنجایی که قوانین مرتبط با بنگاه‌های کوچک و متوسط به شکل بسیار ضعیفی تدوین شده، از این‌رو، بسیاری از سازمان‌های دولتی در برخورد با بنگاه‌های کوچک و متوسط به قوانین خاص شرکت‌های بزرگ استناد نموده (لامعی، ۱۳۸۹) و در نتیجه حمایت لازم را از بنگاه‌های کوچک و متوسط به عمل نمی‌آورند؛ نمونه بارز چنین مسائلی در مورد قوانین نیروی کار، قوانین مالیاتی و غیره دیده می‌شود. با توجه به نتایج تحقیق، یکی دیگر از مشکلات بنگاه‌های کوچک و متوسط کشاورزی در استان زنجان ضعف مالی و کمبود نقدینگی بود. در این زمینه، به دلیل بالا بودن قیمت‌های نهاده‌های کشاورزی و هزینه‌های کارگری از یک سوی و عدم تمایل بانک‌ها و موسسات مالی - اعتباری برای حمایت از بنگاه‌های کوچک و متوسط از سوی دیگر، بسیاری از بنگاه‌های با مسایل مالی بسیار شدیدی مواجه شده و در عمل از اثربخشی و کارایی لازم برخوردار نبوده‌اند. همچنین، به دلیل نبود سیستم نظارتی دقیق بر نحوه هزینه‌کرد اعتبارات اندک اعطاء شده همانطور که شعبان‌زاده و همکاران (۱۳۹۱) تاکید دارند انحراف هزینه‌کرد این وام‌ها زیاد بوده و در زمینه‌های دیگری صرف شده‌اند. بر اساس نتایج تحقیق، از دیگر مشکلات اصلی بنگاه‌های کوچک و متوسط کشاورزی، پایین بودن سطح تحصیلات و تجربه صاحبان و مدیران بنگاه‌ها است، به نحوی که بسیاری از آنها کم سواد یا بی‌سواد بوده و به نظر می‌رسد که دارای تجربه و مهارت لازم برای اداره و مدیریت بنگاه در راستای داشتن اثربخشی و کارایی بالا نیستند. اهمیت این موضوع، با در نظر گرفتن این مساله که تاکنون هیچ دوره آموزشی منسجم و مشخصی از سوی سازمان‌های ذیربط برای مدیران و صاحبان بنگاه‌ها برگزار نشده است، دو چندان است. افزون بر موارد اشاره شده، همانطور که از نتایج مشخص شد بنگاه‌های مورد مطالعه با مشکلات دیگری نیز اعم از نبود حمایت مالی کافی از SMEs به ویژه از سوی بانک‌ها، تمایل کم بانک‌ها برای اعطای تسهیلات و اعتبارات به SMEs و وضع شرایط سخت‌گیرانه برای آنها، پایین بودن سطح تحصیلات و تجربه صاحبان و مدیران SMEs، مبهم و به روز نبودن قوانین و امور حقوقی مربوط به SMEs، وجود موانع قانونی متعدد (اعم از قانون کار، اخذ جواز تاسیس، صادرات و واردات، مالیات و عوارض و غیره) بر سر راه ایجاد و توسعه SMEs، بوروکراسی اداری و

وجود رویه‌ها و سیستم‌های غیرمنعطف دولتی برای ارائه خدمات مختلف به SMEs، ضعف اطلاعات و مهارت‌های فنی مدیران و صاحبان SMEs، نبود فرصت‌های آموزشی کافی برای افزایش و به روز کردن سطح دانش و اطلاعات مدیران و صاحبان SMEs، پایین بودن استاندارد و کیفیت محصولات تولید شده و خدمات ارائه شده از سوی SMEs، محدودیت‌های فنی SMEs نظیر استانداردسازی، رعایت الزامات کیفی، بسته‌بندی و غیره، نبود نیروی انسانی متخصص و کارآمد برای بکارگیری در SMEs، بالا بودن هزینه‌های تولید به ویژه هزینه‌های کارگری و خرید نهاده‌ها، ضعف شبکه‌سازی و نبود تعامل / ارتباط اثربخش بین SMEs با یکدیگر و با سازمان‌های ذیربط، اطلاع‌رسانی ضعیف و نداشتن تبلیغات موثر برای معرفی محصولات تولید شده و غیره مواجه بودند که در مجموع سبب پایین بودن اثربخشی و کارایی بنگاه‌های کوچک و متوسط فعال در بخش کشاورزی استان زنجان شده بودند.

پیشنهادات:

بر اساس نتایج تحقیق پیشنهادهای زیر ارائه می‌شوند:

- ۱- تسهیل دسترسی به خدمات دولتی به ویژه آمار و اطلاعات شفاف برای دسترسی به تمامی اطلاعات لازم کسب و کار و محرمانه تلقی نکردن آنها،
- ۲- توسعه زیرساخت‌های عمرانی مورد نیاز برای توسعه SMEs و ایجاد مراکز تخصصی حمایت از SMEs کشاورزی،
- ۳- ایجاد بانک‌ها و پایگاه‌های اطلاع‌رسانی در زمینه اطلاعات مختلف مالی، قیمت‌ها، بورس، شرکت‌های فعال و سایر اطلاعات ضروری،
- ۴- رفع موانع و محدودیت‌های بوروکراتیک اداری برای راه‌اندازی SMEs،
- ۵- تسهیل قانونی و حذف موانع دولتی به خصوص در زمان صدور مجوز فعالیت،

۶- ایجاد هماهنگی میان سازمان‌ها و نهادها و حذف سازمان‌ها و اقدامات اجرایی موازی در این رابطه،

۷- ایجاد موسسات مالی و اعتباری تخصصی SMEs به منظور ارائه خدمات مالی مناسب‌تر به این بنگاه‌ها،

۸- کوتاه‌تر نمودن فرایند اداری اعطای تسهیلات اعتباری به متقاضیان تاسیس و توسعه SMEs،

۹- کاهش نرخ بهره تسهیلات و طولانی‌تر نمودن دوره بازپرداخت آن،

۱۰- تکمیل و تقویت نهادهای مرتبط جهت ارائه انواع تضمین برای دریافت تسهیلات به SMEs

۱۱- برگزاری دوره‌های آموزشی خاص برای صاحبان و مدیران و متقاضیان راه‌اندازی SMEs، و

۱۲- تاکید بر شبکه‌سازی و توسعه همکاری‌های میان بنگاهی و ساماندهی و انسجام‌بخشی SMEs فعال در بخش کشاورزی استان در قالب اتحادیه‌ها و زنجیره‌ها/ خوشه‌های تولیدی.

منابع:

- ادراکی، محمدرضا (۱۳۸۷). بانک توسعه بنگاه‌های کوچک و متوسط ایران. فصلنامه رشد فناوری، ۱۲: ۲۶-۳۳.
- امین بیدختی، علی اکبر و زرگر، مجتبی (۱۳۹۰). بررسی موانع موجود در توسعه بنگاه‌های کوچک و متوسط و ارائه چارچوب حمایت از این بنگاه‌ها. ماهنامه کار و جامعه، ۳۸: ۳۴-۴۸.
- حیدریور، افشین (۱۳۸۶). بررسی طرح آمارگیری ارزیابی عملکرد و اثربخشی بنگاه‌های اقتصادی زودبازده. گزارش طرح پژوهشی، دفتر مطالعات اقتصادی مجلس شورای اسلامی.
- خشنودی‌فر، زهرا، پیرمرادی، امیرحسین و میرزایی، آرزو (۱۳۹۰). بررسی عوامل موثر بر موفقیت بنگاه‌های کوچک اقتصادی زودبازده و کارآفرین در بخش کشاورزی شهرستان فرمپین. مجموعه مقالات سومین کنگره علوم ترویج و آموزش کشاورزی، ۱۲ و ۱۳ اسفند ماه ۱۳۸۸، مشهد، صص ۱-۱۳.
- خلیقی، شهین (۱۳۸۷). بررسی ارتباط بین مهارت‌های کارآفرینانه مدیران و اثربخشی سازمانی در کسب و کارهای کوچک و متوسط شهرستان سهندج. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، گروه مدیریت دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد سهندج.
- دیواندری، علی، زالی، محمدرضا و کولوبندی، محمدمهدی (۱۳۸۸). ارزیابی اثربخشی طرح بنگاه‌های زودبازده. مجله کار و جامعه، ۱۰۹: ۴-۱۵.
- رافع، فاطمه، کاظمی، شهاب و علی حیدری بوکی، طاهره (۱۳۹۱). تاثیر بنگاه‌های کوچک و زودبازده بر روی اشتغال و تولید. مجموعه مقالات همایش ملی راهکارهای توسعه اقتصادی با محوریت برنامه‌ریزی منطقه‌ای، ۹ و ۱۰ خرداد ماه ۱۳۹۱، سهندج، صص ۱-۱۲.

- سلطانی، زهرا، خوشنود، زهرا و اکبری آلاشتی، طاهره (۱۳۹۰). سازوکارهای تامین مالی شرکت های کوچک و متوسط. گزارش طرح پژوهشی، پژوهشکده پولی و بانکی، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.
- شعبانزاده، مهدی، شاهنوشی، ناصر، دانظور، محمود، قربانی، محمد و مجاوریان، مجتبی (۱۳۹۱). بررسی اثربخشی طرح اعتبارات بنگاههای زودبازده در صنعت زنبورداری. نشریه دانش کشاورزی، ۲۲ (۴): ۲۹-۴۴.
- صلواتی سرچشمه، بهرام، مداح، معصومه و یزدانی راد، احسان (۱۳۸۷). چارچوب سیاستگذاری و برنامه ریزی برای حمایت از ایجاد و توسعه بنگاههای کوچک و متوسط. فصلنامه رشد فناوری، ۱۲: ۳۹-۴۹.
- علی میرزایی، عرفان، اسدی، علی و طهماسبی، مریم (۱۳۹۰). موانع توسعه بنگاههای کوچک و متوسط کارآفرین روستایی در استان خوزستان (مطالعه موردی: صنایع تکمیلی خرما). فصلنامه توسعه کارآفرینی، ۴ (۱۲): ۱۶۵-۱۸۴.
- عنایتی، رضا و معدنیان، آزاده (۱۳۹۱). ارتباط بین فرهنگ سازمان و مدیریت دانش در SMEs، ۲۳ (۲۵۰): ۷۴-۷۸.
- کریمی، آصف، بانکی پور، بهزاد و احمدپوردارانی، محمود (۱۳۹۳). تحلیل سازوکارهای توسعه کسب و کارهای کوچک و متوسط (مورد مطالعه: کسب و کارهای کوچک و متوسط قزوین). فصلنامه توسعه کارآفرینی، ۷ (۲): ۳۰۵-۳۲۶.
- لامعی، بهزاد (۱۳۸۹). موانع قانونی رشد کارآفرینی در صنایع کوچک ایران. فصلنامه تعاون، ۱۷۹: ۱۸-۲۲.
- Bartlett, J., Kotrlik, J. and Higgins, C. (2001). Organizational research: Determining appropriation sample size in survey

research. Information Technology, Learning, and Performance Journal, 19 (1): 5- 43.

- European Regional Development Fund (2010). Slovak Country Report on SME needs and on barriers and incentives for SME access to environmental/cleaner production technologies and tools. Research Report, Central Europe Cooperating Success, p. 30.
- Rachel, D. (2009). Investigating barriers to SME growth and development in transition environments. International Small Business Journal, 27 (3): 275- 305.